







باید برخاست

انتقام؛ ضامن امنیت و رفاه جامعه

باید برخاست

انتقام؛ ضامن امنیت و رفاه جامعه

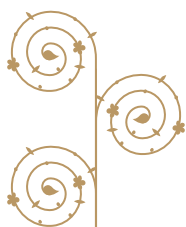
❖ کاری از مؤسسه حکمت بیان ❖



مرکز پخش کتب شبکه ملی «هم قلم»
آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲
https://eitaa.com/rahbary_mohtava: ایتای اداره راهبری



برای عضویت در کانال «هم قلم» اسکن کنید



فهرست

۷

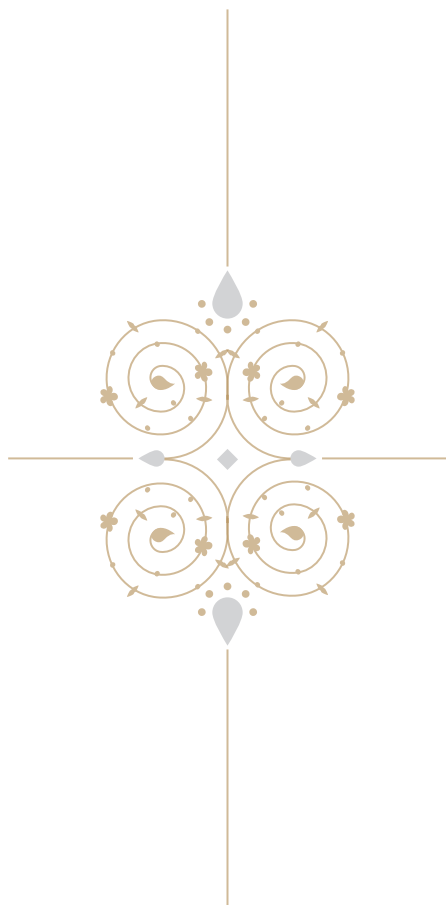
باید برخاست

به خون‌خواهی امام مظلوم

۲۷

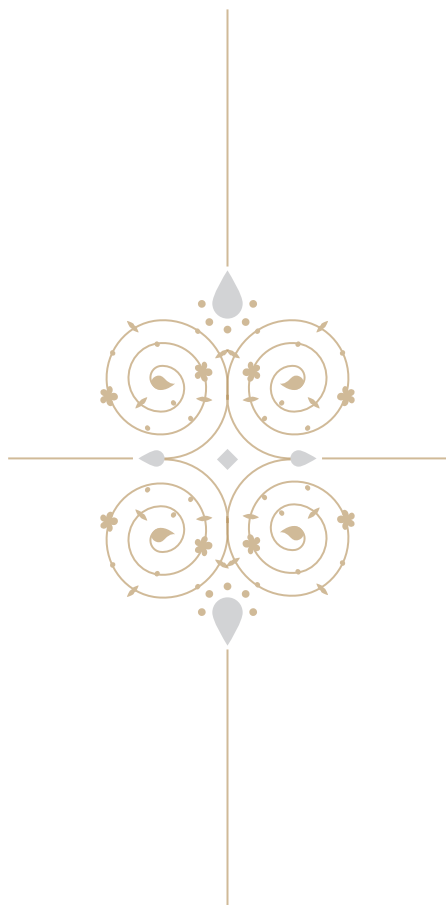
فتح خون

از شکوه شهادت تا تولد ابرقدرت



باید برخاست

به خون خواهی امامِ مظلوم



انتقام؛ ضامن امنیت ماست

ما عزاداران و یتیمانی که امام خودشان را از دست داده‌ایم؛ باید پای تشییع بدن مطهر امام شهیدمان، هم صدا بشویم، هم داستان بشویم، راهش هم گفتگو کردن هست البته باید آیین گفتگو کردن را هم بلد باشیم و بدون اینکه همدیگر را متهم کنیم، درباره دغدغه‌های خودمان حرف بزنیم، یکی از دغدغه‌های ما و دل‌نگرانی‌های ما در تشییع پیکر مطهر امام شهیدمان؛ «انتقام‌خواهی و خون‌خواهی» است.

شاید سؤال خیلی از شما عزیزان این باشد که آقا انتقام خون رهبری چه شد؟ انتقام کجا رفت؟ به راحتی از خون امام شهیدمان گذشتیم؟ چیزی که امام انقلاب در اولین متن خودشان با صدای بلند فرمودند: «این اطمینان را به همگان می‌دهم که ما از انتقام خون شهدای شما صرف نظر نخواهیم کرد.» بعد حتی جزئیات این انتقام راه هم فرمودند: «انتقامی که در نظر داریم، فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید می‌شود، خود موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است.» بعد فرمودند: «البته مقدار محدودی از این انتقام تا به حال صورت عینی پیدا کرده است، ولی تا حد کامل آن حاصل نشود، همچنان این پرونده بر روی بقیه پرونده‌ها خواهد بود و بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حساسیت بیشتری خواهیم داشت.» (۲۱/۱۲/۱۴۰۴)



این دغدغه انتقام در ذهن و دل رهبر انقلاب ادامه دارد تا به امروز، در پیام اخیرشان به قوه قضائیه هم باز مطالبه خون شهدا را دوباره مطرح کردند. این یعنی یک مسئله و مطالبه جدی امام جامعه از مسئولین نظامی تا قضایی و اجرایی ما مسئله انتقام و خون خواهی است.

امروز برخی جریان سیاسی در کشور هستند که با سکوت محض از کنار مسئله انتقام خون‌های مظلومان عبور می‌کنند، انگاری نه انگار که خون امام شهید و شهدای میناب به زمین ریخته شده است، می‌گویند سکوت کنیم تا بتوانیم مذاکره کنیم یا مذاکرات را پیش ببریم. مصلحت نیست درباره انتقام حرف بزنیم.

اما مردمی که مبعوث شدند و به پا خواسته‌اند چه می‌خواهند؟ از مسئولین می‌خواهند برای خون خواهی امام مظلوم کاری کنند. اما سؤال جدی که اینجا مطرح هست این است که بالاخره انتقام بگیریم خوب است یا انتقام نگیریم؟ آیا ما می‌توانیم از کنار خون شهدای مظلوم میناب و امام شهیدمان عبور کنیم؟

انتقام بگیریم خوب است یا انتقام نگیریم؟

قرآن کریم، پاسخ را با صراحت بیان می‌کند: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» (اسراء، ۳۳) خداوند نمی‌فرماید شاید، یا اگر مردم خواستند؛ بلکه می‌فرماید: «جَعَلْنَا» ما این حق را قرار دادیم. پس بحث سر یک احساس شخصی نیست؛ سخن از حقی است که خداوند برای ولی مقتول مظلوم قرار داده است. انگاری باید برخاست برای خون خواهی مظلوم و این حق مسلم ولی دم است. حالا اگر امام یک جامعه را مظلومانه در محل کارش بدون جرم و جنایت کشتند، آیا این حق برای امت محفوظ نمی‌ماند که مطالبه خون مظلوم کنند؟ امروز یک جامعه و بلکه امت اسلامی و آزادی خواهان جهان، خواهان انتقام هستند.





بعضی‌ها می‌گویند آقا بی‌خیال انتقام؛ حالا بگذریم چه می‌شود؟ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نکته‌ای دقیق بیان می‌کند. می‌فرماید: «ما دو نوع انتقام داریم انتقام فردی و انتقام اجتماعی؛ انتقام فردی برخاسته از خشم و تشفی خاطر است و عقل همیشه آن را تأیید نمی‌کند؛ اما انتقام اجتماعی، یعنی قصاص و مجازات قانونی، برای حفظ نظام جامعه و جلوگیری از هرج و مرج تشریع شده است. اگر جامعه مجرمان را مؤاخذه نکند، امنیت عمومی از میان می‌رود.»

مرگ ما روزی است که به فکر انتقام و قصاص نباشیم

ما می‌خواهیم انتقام و قصاص بگیریم؛ چون اگر انتقام و قصاص نگیریم مردیم، مرگ ما روزی است که به فکر انتقام نباشیم؛ این انتقام گرفتن، مثل خون است در رگ‌های ما؛ برای همین خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۷۹) چه تعبیر عجیبی! نفرمود در قصاص مرگ است؛ فرمود در قصاص، حیات است. البته قصاص و انتقام ممکن است از نظر معنا تفاوت‌هایی داشته باشند؛ ولی هر دو مطالبه خون به ناحق ریخته است.

بنابراین، هر جامعه‌ای با یک چیز زنده است؛ نه با ثروتش، نه با سلاحش، نه با ساختمان‌های بلندش؛ جامعه با «انتقام» زنده است. انتقام یعنی ما نسبت به جامعه بی‌تفاوت نیستیم. درد ظلم را می‌فهمیم؛ از کنار مظلوم بی‌اعتنا عبور نکنیم؛ اگر در گوشه‌ای از عالم حق پایمال شد، من و شما مسئول هستیم خصوصاً که الان خون امام مظلوم ما به زمین ریخته شده است؛ نباید بی‌تفاوت باشیم؛ این خون مسئولیت به گردن ما آورده است. خون امام گردن ما را می‌گیرد، اگر بی‌تفاوت باشیم؛ بی‌تفاوتی، عدم احساس مسئولیت نسبت به انتقام و خون‌خواهی مظلوم؛ آغاز مرگ یک ملت است. برای همین فرمود قصاص برای شما عین زندگی کردن است.

حس انتقام علامت سلامت و حیات جامعه است

باید حس انتقام را در خودمان بیدار کنیم، این علامت سلامت و حیات جامعه ما است. یعنی من نسبت به ظلم بی تفاوت نیستم، ما امروز پای تشییع بدن مظلومی ایستادیم که خونش مظلومانه به زمین ریخته شده است، منتظر انتقام هستیم، تشنه روز انتقام هستیم؛ اما آیا مسئولین ما دغدغه انتقام و خون‌خواهی امام شهید و شهدای مظلوم میناب را دارند یا نه؟ اگر ما امنیت پایدار می‌خواهیم، باور کنید بدون خون‌خواهی امام شهید و شهدای مظلوم میناب این امنیت برقرار نمی‌شود؟ خدا خودش را منتقم معرفی می‌کند، مسئولین ما هم آیا به دنبال انتقام و خون‌خواهی امام مظلوم و بچه‌های معصوم میناب ما هستند یا نه؟ مردم که پای کارند، این حضور میلیونی مردم پای تشییع بدن امام شهید، سرتاپا خون‌خواه امام مظلوم هستند و فریاد می‌زنند مرگ بر آمریکا مرگ بر اسرائیل...

ما اینجا جمع شدیم تا فریاد بزنیم آی مسئولین نترسید، فریاد انتقام و خون‌خواهی امام شهید را سر بدهید، وگرنه امنیت محال است. این حق مسلم ماست که خدا برای ما قرار داده است، از این حق مسلم کوتاه نیاید وگرنه دنیای مردم را هم نمی‌توانید آباد کنید، عدالت را هم نمی‌توانید برقرار کنید، وقتی در مسیر عدالت بزرگ‌تر یعنی خون‌خواهی امام شهید و مظلوم قدمی برندارید.

شما مسئول این مردم شجاعی هستید که پای کار خون‌خواهی امام شهید و شهدای مظلوم میناب و بقیه شهدا هستند، این همه جان فدا پشت سر شماست؛ نترسید؛ نگویید اگر فریاد انتقام سر دهیم، چه می‌شود؟... پول‌های بلوک شده ما بر نمی‌گردد؛ نه مسیر امنیت پایدار در خون‌خواهی است. نترسید، مردم هم نمی‌ترسند؛ الحمدلله مردم این طوری نیستند که پیغمبر فرمود: «فَاتِحَةُ چَینِ اَمْت و جَامِعَةُ را باید





خواند که از ظالم حساب می‌برد و فریاد بر سر ظالم نمی‌زند^۱

مسئولین ما هم باید به آمریکای ظالم بگویند تو ظالم هستی و به خون‌خواهی امام مظلوم و شهدای میناب از تو انتقام خواهیم گرفت و ما مردم هم پشت سر شما هستیم، با صدای بلند بگویید ای آمریکای جنایت‌کار و ای اسرائیل پست، تا انتقام خون امام شهیدمان را بگیریم، آرام نمی‌نشینیم، مرگ بر آمریکا...

انتقام بازدارندگی و بازگشت امنیت به جامعه

اما یکی از مهم‌ترین اثر این انتقام «بازدارندگی و بازگشت امنیت به جامعه» است، امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْقَاتِلَ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ يُقْتَلُ بِالْقَتْلِ كَفَّ عَنِ الْقَتْلِ، فَكَانَ فِي ذَلِكَ حَيَاةَ الْمَقْتُولِ وَحَيَاةَ هَذَا الْقَاتِلِ وَحَيَاةَ غَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ؛ هنگامی که قاتل بداند در برابر قتل، کشته خواهد شد، از جنایت دست می‌کشد؛ در نتیجه هم جان قربانی حفظ می‌شود، هم جان خود قاتل و هم جان دیگر مردم.» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹) باید قاتل و جانی احساس ناامنی کند. امروز شما می‌بینید که چقدر دشمن جسور شده است ترامپ به کشتن امام شهید افتخار می‌کند و از تهدید رهبر انقلاب ابایی ندارد. این یعنی امنیت بدون انتقام ممکن نیست؛ چون دشمن هنوز جرئت جنایت دارد. وقتی هزینه پایین باشد، طبیعی است که این مسیر را دوباره و چندباره تکرار کند. در چنین جامعه‌ای دیگر نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم رهبر انقلاب، نخبگان و شخصیت‌های اثرگذار را با امنیت به صحنه جامعه بیاوریم؛ چرا که دشمن برای حذف نخبگان جامعه مانعی پیش روی خودش نمی‌بیند.

اگر امروز خون یک امام شهیدمان، یا بچه‌های معصوم و بی‌گناه میناب؛ فرماندهان و دانشمندان ما که تازه خیلی از اخبار ترور دانشمندان ما

۱ «إِذَا رَأَيْتُمْ أُمَّتِي تَهَابُ الظَّالِمَ أَنْ يَقُولَ لَهُ: إِنَّكَ أَنْتَ ظَالِمٌ، فَقَدْ تَوَدَّعَ مِنْهُمْ.» (مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۵۶۱)

رسانه نشد، بی‌پاسخ بماند، فردا نوبت بقیه دانشمندان خواهد بود. دشمن وقتی احساس کند با ترور و حذف شخصیت‌های اثرگذار به هدف خودش می‌رسد و هزینه‌ای هم نمی‌پردازد، نه تنها از دشمنی خودش دست برنمی‌دارد، بلکه در تصمیمش مصمم‌تر می‌شود. به همین دلیل، انتقام تنها پاسخ به یک جنایت گذشته نیست؛ بلکه جلوگیری از جنایت‌های آینده است. انتقام، محاسبات دشمن را تغییر می‌دهد. او را به این نتیجه می‌رساند که هزینه جنایت بسیار بیشتر از منفعت آن است.

اما اگر دشمن بداند هر خون مظلومی هزینه‌ای سنگین بر او تحمیل می‌کند، در محاسبات خودش تجدیدنظر خواهد کرد. بنابراین انتقام، صرفاً یک واکنش احساسی نیست؛ بلکه پشت سرش یک ضرورت عقلانی وجود دارد برای حفظ امنیت جامعه است. انتقام، آینده را حفظ می‌کند، امنیت را برمی‌گرداند و اجازه نمی‌دهد دشمن خیال خام کند که شهادت رساندن امام شهیدمان و شخصیت‌های مؤثر جامعه، یک روش کم‌هزینه و دائمی است. این همان حیاتی است که قرآن از آن حرف زده است.

آمادگی افکار عمومی جهان برای محکومیت جانپان کودک کش

جالب هست به شما بگوئیم که امروز افکار عمومی جهان هم آمادگی دارند تا جانپان جهانی مثل ترامپ و نتانیاهو هم محکوم شوند. گزارش‌هایی که از سوی رسانه‌های جریان اصلی بین‌المللی منتشر شده‌اند حاکی از آن است که بنیامین نتانیاهو را به عنوان «جنایت‌کارترین چهره دوران معاصر» و «تهدیدی جهانی برای صلح» معرفی کرده‌اند.

این گزارش‌ها با استناد به اسناد میدانی و آماری بیان می‌کند ارتش رژیم صهیونیستی به فرمان او تنها از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا الان - دست‌کم ۷۱ هزار





نفر از مردم غیرنظامی غزه را قتل عام کرده که حداقل ۲۰ هزار نفر آنها کودک بودند. این حجم عظیم از کشتار جمعی در جنایت علیه بشریت، باعث شده است که دیوان کیفری بین‌المللی حکم بازداشت نتانیاهاو کثیف و کودک‌کش را صادر کند. در جریان دو جنگ اخیر با ایران، ۴۳۰ کودک مظلوم و بی‌گناه را به شهادت رساند.

مهم‌ترین بخش این گزارش به پایش افکار عمومی در سطح داخلی، بین‌المللی و به‌ویژه کشورهای منطقه اختصاص دارد. داده‌ها نشان می‌دهد موجی فزاینده شکل گرفته که با صراحت اعلام می‌کند: «**ادامه حیات نتانیاهاو، تهدیدی دائمی برای امنیت کودکان، ثبات منطقه و صلح جهانی است.**»^۱ ببینید الان جهان بشریت به چنین معرفتی و روشن‌بینی رسیده است.

اگر انتقام نگیریم، فقط ما ضرر نکرده‌ایم؛ نه فقط ایران، بلکه دنیا روی آرامش را نخواهد دید

بنابراین اگر انتقام نگیریم، فقط ما ضرر نکرده‌ایم؛ نه فقط ایران، بلکه دنیا روی آرامش را نخواهد دید. شاید بعضی‌ها بگویند این دیگر اغراق است. مگر انتقام گرفتن یا نگرفتن ما، چه ربطی به آرامش دنیا دارد؟ مگر همه مشکلات جهان به ما برمی‌گردد؟ نه؛ بحث این نیست. بحث این است که اگر خطرناک‌ترین جنایت‌کاران عالم احساس کنند می‌توانند هر جنایتی انجام دهند و هیچ هزینه‌ای هم نپردازند، دیگر امنیت برای کجای دنیا باقی می‌ماند؟

شما فرض کنید؛ اگر یک قاتل زنجیره‌ای را در یک شهر رها کنند و هیچ‌کس جلوی او را نگیرد، فقط همان خانواده اول آسیب می‌بینند؟ یا همه شهر احساس ناامنی می‌کند؟ معلوم است که همه شهر دیگر آرامش ندارد.

۱ کانال خبر فوری در ای‌تا، نتانیاهاو خطرناک‌ترین فرد برای صلح جهان است؛ او باید مجازات شود؛ دسترسی در: «<https://eitaa.com/akhbarefori>» ۴۷۴۹۳۳

چون می‌داند قاتل هنوز آزاد است و معلوم نیست قربانی بعدی چه کسی باشد. حالا همین منطق را در مقیاس جهان ببینید.

امروز مسئله فقط ایران نیست، فقط غزه نیست، فقط لبنان نیست؛ مسئله برخورد با جانیان کودک‌کش؛ جهانی است...

امروز مسئله فقط ایران نیست، فقط غزه نیست، فقط لبنان نیست. مسئله این است که آیا دنیا می‌خواهد جنایت‌کار احساس امنیت کند یا انسان‌های بی‌گناه؟ بعضی‌ها خیال می‌کنند اگر از خون مظلوم بگذریم، اگر مطالبه انتقام نکنیم، اگر با جنایت‌کار مدارا کنیم، دنیا آرام‌تر می‌شود. اما من یک سؤال دارم؛ در این دو سال اخیر، هر بار که نتانیاهو جنایت کرد و دنیا فقط محکوم کرد، آیا جنایت‌هایش کمتر شد یا بیشتر؟ آیا وقتی بیمارستان‌ها را زد، متوقف شد؟ وقتی اردوگاه‌های آوارگان را بمباران کرد، دست کشید؟ وقتی هزاران کودک را به خاک و خون کشید، گفت دیگر بس است؟ یا هر روز جنایت بزرگ‌تری انجام داد؟

جنایت، وقتی هزینه نداشته باشد، متوقف نمی‌شود؛ بزرگ‌تر می‌شود

مشکل همین جاست. جنایت، وقتی هزینه نداشته باشد، متوقف نمی‌شود؛ بزرگ‌تر می‌شود. امروز دیگر خیلی‌ها در خود دنیا هم به این نتیجه رسیده‌اند که نتانیاهو فقط دشمن مردم فلسطین نیست؛ او به یک تهدید برای صلح جهانی تبدیل شده است. کسی که برای رسیدن به اهدافش، از کشتن ده‌ها هزار غیرنظامی، هزاران کودک، حمله به بیمارستان، مدرسه، خبرنگار، امدادگر و حتی گرسنه نگه‌داشتن مردم ابایی ندارد، اگر امروز متوقف نشود، فردا چه تضمینی هست که جنایتش به نقطه دیگری از دنیا کشیده نشود؟





اتفاقاً به همین دلیل است که عرض کردم امروز حتی بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی و تحلیلگران غربی نیز دیگر از او به‌عنوان یک سیاست‌مدار عادی یاد نمی‌کنند. دیوان کیفری بین‌المللی نیز حکم بازداشت او را صادر کرده است. این یعنی مسئله فقط اختلاف سیاسی نیست؛ مسئله، جنایت علیه بشریت است.

در حملات اخیر به ایران نیز صدها کودک بی‌گناه به شهادت رسیدند. سؤال این است؛ کسی که خون کودک برایش هیچ ارزشی ندارد، اگر امروز احساس خطر نکند، فردا چه دلیلی دارد که کودک دیگری را نکشد؟ چه چیزی او را متوقف می‌کند؟ چند بیانیه؟ چند جلسه سازمان ملل؟ چند اظهار نگرانی؟

بزرگ‌ترین دشمن صلح، همان کسی است که هر روز آتش جنگ را روشن‌تر می‌کند

واقعاً تا امروز کدام جنایت‌کار با ابراز نگرانی دنیا دست از جنایت برداشته است؟ اشتباه نکنیم؛ صلح با رهاکردن جنایت‌کار به دست نمی‌آید. اتفاقاً بزرگ‌ترین دشمن صلح، همان کسی است که هر روز آتش جنگ را روشن‌تر می‌کند و مطمئن است کسی مانع او نخواهد شد.

گاهی می‌گویند انتقام، صلح را از بین می‌برد؛ اما من می‌گویم بی‌انتقامی، صلح را از بین می‌برد. انتقام از جنایت‌کار، یعنی کشیدن ترمز جنایت. یعنی به او بفهمانی که دیگر نمی‌تواند هر کاری خواست انجام دهد. یعنی به همه کسانی که خیال جنایت در سر دارند، این پیام را بدهی که این مسیر، هزینه دارد.

اگر امروز خطرناک‌ترین جنایت‌کاران دنیا مجازات نشوند، فردا فقط مردم یک کشور قربانی نخواهند بود. تجربه نشان داده است که جنایت، مرز نمی‌شناسد. آتشی که امروز در غزه روشن شده، اگر خاموش نشود، فردا جای دیگری شعله خواهد کشید. همان دستی که امروز کودک فلسطینی

را می‌کشد، اگر احساس امنیت کند، فردا کودک کشور دیگری را هم خواهد کشت.

مسئله فقط خون‌خواهی یک ملت نیست؛ مسئله امنیت همه ملت‌هاست

پس مسئله فقط خون‌خواهی یک ملت نیست؛ مسئله امنیت همه ملت‌هاست. اگر امروز جلوی چنین جنایت‌کاری گرفته نشود، اگر هزینه‌ای نپردازد، اگر احساس کند دنیا فقط تماشاچی است، نه ایران روی آرامش را خواهد دید و نه هیچ نقطه دیگری از جهان. آرامش زمانی برمی‌گردد که جنایت‌کار بداند بعد از هر جنایت، عدالت در انتظار اوست؛ نه سکوت، نه مصلحت‌اندیشی و نه فراموشی. این همان چیزی است که دنیا امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.

شهادت بچه‌های معصوم میناب؛ یک از دشمنی‌های آمریکا که موضوع انتقام است

امروز ما با یک فهرست بلند از جنایت‌های آمریکا روبه‌رو هستیم؛ فهرستی که هنوز هیچ‌وقت به نسل جدیدمان درست معرفی نشده است. یک‌بار امام شهید فرمودند فهرست جنایت‌های آمریکا، یک فهرست سیاه و بلند است. واقعاً هم همین‌طور است. از کودتای ۲۸ مرداد، تا حمایت از رژیم بعث، تا زدن هواپیمای مسافربری ایران، تا ترور دانشمندان، تا به‌شهادت‌رساندن حاج قاسم، تا جنایت‌های اخیر. سؤال این است؛ چند درصد دانش‌آموزان ما این فهرست را می‌شناسند؟ چند نفر می‌دانند آمریکا فقط با تحریم با ما دشمنی نکرده، بلکه مستقیم دستش به خون‌هزاران ایرانی آلوده است؟

اگر امروز در یک کشور اروپایی، یک مدرسه را موشک باران کنند، ده‌ها کودک زیر آوار بمانند، کیف و کتابشان آغشته به خون شود، معلمشان





کنار شاگردانش شهید شود؛ اسم این چیست؟ اشتباه نظامی؟ خسارت جانبی جنگ؟ یا یک جنایت جنگی؟

شهادت میناب فقط یک حادثه تلخ برای مردم ایران نیست؛ این پرونده، یکی از روشن‌ترین پرونده‌هایی است که می‌تواند در هر محکمه بین‌المللی مطرح شود. چرا؟ چون اینجا دیگر بحث یک پادگان یا یک مرکز نظامی نیست. بحث مدرسه است. مدرسه‌ای که سال‌ها فعالیت آموزشی داشته، تصاویر، وبسایت، برنامه‌های آموزشی و حتی تصاویر دانش‌آموزانش در فضای عمومی وجود داشته است. بعدها حتی خبرگزاری رویترز در یک گزارش تحقیقی نوشت که این مدرسه «سال‌ها حضور آشکار و قابل مشاهده در فضای اینترنت داشت» و این مسئله، پرسش‌های جدی درباره نحوه انتخاب هدف ایجاد می‌کند.

مگر حقوق بین‌الملل نگفته است که کودکان و مدارس جزء اماکن تحت حمایت هستند؟ پس اگر مدرسه هدف قرار بگیرد و ده‌ها کودک کشته شوند، دیگر چه چیزی باید اتفاق بیفتد تا دنیا اسم آن را «جنایت جنگی» بگذارد؟

«سوفیا جونز»، پژوهشگر آزمایشگاه تحقیقات دیجیتال دیده‌بان حقوق بشر، بعد از این حادثه گفت: «باید درباره این حمله، فوری و به‌طور کامل تحقیق شود... و اگر حمله غیرقانونی بوده است، مسئولان آن باید پاسخگو باشند؛ از جمله با تعقیب کیفری کسانی که مسئول جنایت جنگی هستند.»^۱ این فقط یک نظر شخصی نیست؛ این ادبیات حقوق بین‌الملل است.

اگر این پرونده هم پیگیری نشود، اگر خون این کودکان هم فراموش شود، فردا چه کسی از کودک دیگری در هر نقطه دنیا دفاع خواهد کرد؟ اگر امروز دنیا نتواند از حق یک دانش‌آموز دفاع کند، فردا از حق چه کسی

دفاع خواهد کرد؟

بعضی‌ها خیال می‌کنند این فقط مسئله ایران است؛ نه. اتفاقاً مسئله همه دنیا است. امروز اگر حمله به مدرسه هزینه نداشته باشد، فردا هیچ مدرسه‌ای در هیچ کشوری امنیت نخواهد داشت. اگر امروز کودک ایرانی قربانی شود و جنایت‌کار احساس امنیت کند، فردا نوبت کودک کشور دیگری خواهد بود. جنایت، اگر مجازات نشود، مرز نمی‌شناسد.

برای همین است که من می‌گویم شهدای میناب فقط شهدای یک شهر نیستند؛ آنها سند زنده‌ای هستند برای اینکه دنیا ببیند وقتی جنایت‌کار احساس مصونیت می‌کند، اولین قربانی، کودکان هستند. این پرونده نباید فقط در آرشیو اخبار بماند؛ باید در دادگاه‌ها، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و کتاب‌های درسی زنده بماند تا نسل‌های بعد بدانند امنیت کودکان، با سکوت در برابر جنایت حفظ نمی‌شود.

دوقطبی کاذب انتقام مساوی جنگ‌طلبی و تقابل آن با رفاه مردم

حالا بعضی افراد داخل کشور ما چه می‌گویند؟ تا صحبت از انتقام و خون‌خواهی می‌شود، سریع می‌گویند: «آقا بس است دیگر! چقدر کشته دادیم؟ چقدر هزینه دادیم؟ بگذارید دیگر تمام شود. مردم زندگی می‌خواهند، رفاه می‌خواهند، آرامش می‌خواهند.» بعد هم یک دوقطبی درست می‌کنند؛ یا باید دنبال انتقام باشی یا دنبال رفاه مردم! انگار این دو، مقابل هم هستند. انگار اگر کسی از خون مظلوم حرف زد، یعنی جنگ‌طلب است؛ اما اگر گفت انتقام نگیریم، یعنی طرف‌دار زندگی مردم است.

این همان دوقطبی دروغینی است که سال‌هاست ذهن جامعه را گرفتار کرده است. پشت این حرف‌ها اگر کمی دقیق شویم، بیشتر از آنکه عقلانیت باشد، ترس خوابیده است؛ ترس از هزینه دادن، ترس از





ایستادن، ترس از اینکه مبادا دشمن ناراحت شود، مبادا فشارها بیشتر شود، مبادا زندگی سخت تر شود.

مگر تا امروز که کوتاه آمده ایم، فشارها کم شده است؟ مگر هر جا عقب نشستیم، دشمن گفته حالا دیگر بس است؟ مگر دشمن به همان مقداری که گرفته، راضی شده است؟ تاریخ چنین چیزی را نشان نمی دهد.

دشمن یک منطق بیشتر نمی فهمد؛ هزینه.

دشمن یک منطق بیشتر نمی فهمد؛ هزینه. اگر ببیند برای جنایتش هزینه ای پرداخت نمی کند، چرا باید دست از جنایت بردارد؟ اگر احساس کند می تواند فرماندهی را ترور کند، دانشمندی را به شهادت برساند، مردم بی گناهی را قتل عام کند و آخرش فقط چند بیانییه و چند محکومیت بشنود، طبیعی است که دوباره همان مسیر را ادامه بدهد. اتفاقاً اگر دشمن عقب نمی نشیند، به خاطر همین است که احساس می کند هزینه کارش کمتر از منفعت آن است.

گاهی ما فقط هزینه انتقام را می بینیم، اما هزینه انتقام نگرفتن را حساب نمی کنیم

گاهی ما فقط هزینه انتقام را می بینیم، اما هزینه انتقام نگرفتن را حساب نمی کنیم. سؤال این است؛ اگر انتقام نگیریم چه می شود؟ آیا دشمن مهربان تر می شود؟ آیا دست از دشمنی برمی دارد؟ آیا دیگر خون بی گناهی ریخته نمی شود؟ یا برعکس، با خیال راحت تر، جنایت بعدی را طراحی می کند؟

واقعیت این است که انتقام نگرفتن هم هزینه دارد؛ آن هم هزینه ای که خیلی سنگین تر است. هزینه اش این است که دشمن دیگر از ما حساب نمی برد. وقتی از ما حساب نبرد، دیگر هیچ خط قرمزی برای خودش قائل نیست. هر جا منافعش اقتضا کند، ضربه می زند. هر جا احساس

کند می‌تواند امتیاز بگیرد، جلو می‌آید. آن وقت تازه باید برای جلوگیری از خسارت‌های بعدی، چند برابر هزینه بدهیم.

دشمن عقب‌نشینی را نشانه ضعف می‌داند و ضعف، او را حریص‌تر می‌کند

بعضی‌ها خیال می‌کنند اگر از حق خودمان بگذریم، دنیایمان آباد می‌شود. اگر از خون مظلوم صرف‌نظر کنیم، اقتصاد درست می‌شود. اگر مطالبه انتقام را کنار بگذاریم، دشمن هم فشارهایش را کم می‌کند. اما این فقط یک خیال است. دشمن هیچ‌وقت از ملتی که عقب‌نشینی می‌کند، راضی نمی‌شود؛ بلکه عقب‌نشینی را نشانه ضعف می‌داند و ضعف، او را حریص‌تر می‌کند.

اصلاً یکی از خطرناک‌ترین اتفاق‌هایی که ممکن است برای یک ملت بیفتد، این است که دشمن به این جمع‌بندی برسد که این ملت دیگر اراده ایستادن ندارد. از آن لحظه به بعد، دیگر فقط یک مطالبه ندارد؛ هر روز مطالبه جدیدی مطرح می‌کند. امروز از خون یک شهید بگذر، فردا از حق هسته‌ای، پس‌فردا از قدرت دفاعی، بعد از آن از فرهنگت، از اعتقادات، از استقلال. عقب‌نشینی، پایان خواسته‌های دشمن نیست؛ آغاز خواسته‌های جدید اوست. چقدر قرآن واقع‌بینانه با ما حرف می‌زند می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا؛ تا آخر با شما می‌جنگند و هدفشان هم این است که شما را از دینتان برگردانند.» (بقره، ۲۱۷)

دشمن که هیچ‌وقت از دشمنی خودش دست برنمی‌دارد. هیلاری کلینتون وزیر خارجه اسبق آمریکا می‌گفت: من هر بار که با نتانیاهو جلسه می‌گرفتم یکی از آرزوهای او این بود که ایران را نابود کند.^۱ ما چنین دشمنی مواجه هستیم؛ آیا عقب‌نشینی یا سکوت ما، او را جسورتر در

۱ کانال خبر فوری در ایتا، دسترسی در «<https://eitaa.com/akhbarefori>» (۴۷۲۷۱۳)





دشمنی نمی‌کند؟!

شاید اگر در انتقام خون حاج قاسم تعلل نمی‌کردیم...

شاید اگر در انتقام خون حاج قاسم تعلل نمی‌کردیم، اگر همان‌گونه که ولی جامعه مطالبه کرد، دشمن هزینه واقعی جنایتش را می‌پرداخت، امروز محاسبات او جور دیگری بود. شاید خیلی از جنایت‌هایی که بعد از آن اتفاق افتاد، اصلاً رخ نمی‌داد. دشمن آینده را بر اساس واکنش امروز ما طراحی می‌کند.

پیغمبر اسلام می‌فرماید: ترک جهاد مساوی است با فقر

امروز حل مشکلات اقتصادی ما وابسته به این است که چگونه مقابل دشمنی که جنایت کرده عمل می‌کنیم؟ آیا سکوت می‌کنیم یا اقدام؟ پیغمبر می‌فرماید: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَمَخْقًا فِي دِينِهِ؛ هر کس جهاد را ترک کند، خدا لباس ذلت بر تن او می‌پوشاند، در معیشتش فقر قرار می‌دهد و دینش را دچار کاستی می‌کند.» (ثواب الأعمال، ج ۱، ص ۱۸۹) دقت کنید؛ پیامبر نمی‌فرماید فقط آخرتش آسیب می‌بیند. نمی‌فرماید فقط دینش ضعیف می‌شود. از معیشت هم حرف می‌زنند. یعنی همان چیزی که بعضی‌ها به بهانه حفظ آن، از مسئولیت‌های بزرگ فرار می‌کنند.

چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر از دفاع از حق کم کنیم، سفره مردم بزرگ‌تر می‌شود؛ اگر از خون‌خواهی صرف نظر کنیم، اقتصاد شکوفا می‌شود؛ اگر کوتاه بیاییم، فشارها کمتر می‌شود. اما پیامبر می‌فرماید نتیجه درست برعکس است. ترک مسئولیت، ذلت می‌آورد و ذلت، فقر را به دنبال دارد.

اصلاً مگر امنیت، بدون اقتدار به دست می‌آید؟ مگر سرمایه در جایی می‌ماند که هر لحظه احتمال تعرض دشمن وجود داشته باشد؟ مگر تولید، تجارت و پیشرفت، بدون امنیت امکان دارد؟ اگر دشمن احساس

کند هر زمان بخواهد می‌تواند با تهدید، یک ملت را وادار به عقب‌نشینی کند، چرا باید اجازه بدهد آن ملت روی آرامش اقتصادی را ببیند؟

بین انتقام گرفتن و اجرای حد الهی بارزق، جدایی نیست، ما جدا کرده‌ایم. خیال کرده‌ایم یا باید پای حدود الهی که یکی از آنها انتقام است، بایستیم یا نان؛ در حالی که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «حَدُّ يَقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أُرْبِعِينَ صَبَاحاً؛ اجرای یک حد الهی در زمین، از باریدن باران چهل روز بافضیلت‌تر است.» (الکافی، ج ۷، ص ۱۷۵) باران یعنی آبادانی، یعنی رونق، یعنی فراوانی نعمت. اجرای حکم خدا از چنین نعمتی هم آثار بیشتری دارد. چرا؟ چون وقتی عدالت اجرا شود، امنیت ایجاد می‌شود؛ وقتی امنیت باشد، اعتماد شکل می‌گیرد؛ وقتی اعتماد باشد، اقتصاد جان می‌گیرد. جامعه‌ای که در آن دشمن شما از شما احساس امنیت کند، هیچ‌وقت روی آرامش و رونق را نخواهد دید.

پس اشتباه نکنیم؛ انتقام گرفتن، مقابل رفاه مردم نیست. اتفاقاً یکی از پایه‌های رفاه مردم است. ملتی که از خون مظلومش دفاع نکند، از حق خودش هم دفاع نخواهد کرد؛ و ملتی که از حق خودش دفاع نکند، نه عزتش را حفظ می‌کند، نه امنیتش را، نه اقتصادش را و نه آینده فرزندانش را. گاهی بزرگ‌ترین هزینه، همان هزینه‌ای است که خیال می‌کنیم با عقب‌نشینی از آن فرار کرده‌ایم. دشمن، هزینه نگرفتن انتقام را خیلی بهتر از ما می‌فهمد؛ برای همین همیشه تلاش می‌کند ما را از انتقام منصرف کند. اگر انتقام به ضرر ما بود، دشمن این قدر از آن نمی‌ترسید.

مطالبات مردمی از مسئولان در جنایت‌کاران

ما امروز در مراسم تشییع پیکر امام شهیدمان چند مطالبه جدی از مسئولان داریم:

مسئولان محترم دیپلماسی اگر می‌خواهید رفاه برای ما بیاورید، رفاه جز در سایه خون‌خواهی به دست نمی‌آید؟ ما از شما انتقام می‌خواهیم و با





صدای بلند فریاد می‌زنیم: انتقام انتقام!

مسئولان افکار عمومی جهان آماده‌اند برای مجازت کردن کودک‌کش‌ها
نترسید و با صدای بلند این خون‌خواهی را مطالبه کنید؛ دشمنان ما
رسوای عالم هستند و نفرت عمومی از آنها در جهان فریاد شده است
دیگر مرگ بر اسرائیل شعار یک ملت خاص نیست همه جهان بغض
خفته در گلو دارند و مطالبه برای نابودی جانیان پس برای شادی روح
شهدای میناب که بچه‌های خودمان هستند فریاد انتقام در مجامع
عمومی نسبت به جنایات جانیان بزنید و ما هم شما را حمایت می‌کنیم
و با تمام وجود فریاد انتقام سر می‌دهیم و می‌گوییم: مسئول انقلابی،
انتقام انتقام!

امروز ما در تشییع پیکر امام شهیدمان فقط برای بدرقه نیامده‌ایم؛
برای تجدید عهد آمده‌ایم. آمده‌ایم بگوییم خون شهید، با گذشت زمان
فراموش نمی‌شود و مسئولیت ما با پایان این مراسم تمام نخواهد شد
و تا پای جان بر عهد انتقام خواهیم ایستاد و فریاد می‌زنیم ای دشمن
خون‌آشام مرگت باد مرگت باد مرگ بر آمریکا...

ما از همه مسئولان کشور انتظار داریم که در هر جایگاهی که هستند، با
همه ظرفیت‌های حقوقی، سیاسی، رسانه‌ای و بین‌المللی، از حقوق ملت
و خانواده‌های شهدا دفاع کنند. خون بی‌گناهان، مطالبه عدالت دارد و
این مطالبه نباید به فراموشی سپرده شود.

امروز پیکرهای شهدا بر دوش ماست؛ اما فردا این تاریخ است که درباره
ما قضاوت خواهد کرد. خواهد پرسید: شما در برابر این خون‌های به‌ناحق
ریخته‌شده چه کردید؟ آیا آنها را به دست فراموشی سپردید یا برای تحقق
عدالت ایستادید؟

شهدا از ما فقط اشک نمی‌خواهند؛ از ما وفاداری به راه و مرامشان را
می‌خواهند. وفاداری یعنی زنده نگه داشتن حقیقت، دفاع از مظلوم و

مطالبه عدالت.

خدایا! ما را از کسانی قرار بده که امانت دار خون شهیدان و خصوصاً امام شهید باشند، در برابر ظلم سکوت نکنند و با تمام وجود فریاد انتقام سر می دهند و لعن و نفرین خودشان را به جان دشمن می نشانند و فریاد می زنند. مرگ بر آمریکا مرگ بر اسرائیل...

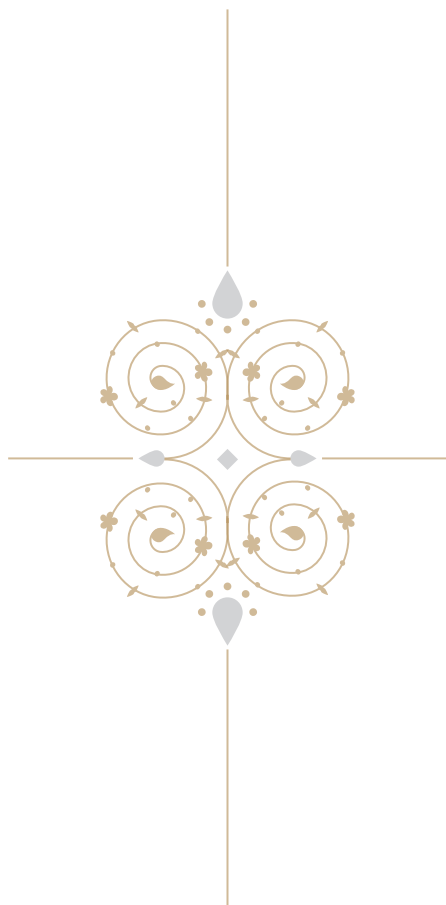
سلام و درود خدا بر همه شهیدان، بر خانواده های صبور آنان و بر همه کسانی که راه حق و عدالت را پاس می دارند.

بدرخاست



فتح خون

از شکوه شهادت تا تولد ابر قدرت





آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای می‌فرمایند: «امروز طلعه برآمدن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک «قدرت بزرگ» و قرارگرفتن استکبار در سرایشی ضعیف، مقابل چشم همگان آشکار شده است. این بی شک نعمتی الهی است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدای گلگون‌کفن و هم‌وطنان مظلوم و گل‌های پرپر شده مدرسه شجره طَیِّبه میناب، و در پی توسلات و تضرعات آحاد ملت به درگاه ربوبی و حضور مجاهدانه ایشان در میادین و محلات و مساجد، و به‌خاطر جان‌فشانی‌های بی‌دریغ و بی‌منت و خالصانه رزمندگان جان‌برکف اسلام در سپاه و ارتش و فراجا و سربازان گمنام و مرزداران، به ملت ایران ارزانی شده است. این نعمت هم مانند هر نعمت دیگری باید مورد شکر قرار گیرد تا بقا و رشد داشته باشد که لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ شُكْرًا عملی این نعمت، تلاش بی‌وقفه برای رسیدن به «ایران قوی» است.» (بیانات رهبر انقلاب، چهلم رهبر شهید)

دو پرسش جدی حول شهادت رهبر شهید: آیا ما وظایف امتی خودمان را به‌خوبی انجام داده‌ایم؟!

اگرچه شهادت رهبر انقلاب ما، دل‌های همه ما و تمام آزادگان عالم را آتش زد، تشیع میلیونی و باشکوه این عبد صالح خدا، قدری دل‌های ما



را آرام کرد؛ اما دو تا پرسش اساسی و جدی حول شهادت رهبر انقلاب باقی است. سؤال اول این است که چرا خدا ما را از چنین نعمت با عظمتی محروم کرد؟

درست است که با کمی تأخیر، بالاخره رهبری جامعه اسلامی تعیین تکلیف شد و حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سید مجتبی خامنه‌ای به رهبری رسیدند؛ اما باید در خلوت خودمان یا حتی در فضای گفتمان اجتماعی خودمان به صورت جدی این سوال را بپرسیم که آیا ما تقصیراتی داشتیم که خداوند متعال چنین رهبر با عظمتی را از ما گرفت، کدام دستورات او را خوب گوش نکردیم؟ کامل انجام ندادیم؟

مثلاً حضرت آقا فرمودند جهاد تبیین واجب فوری و همگانی است. چند درصد ما مذهبی‌ها به این دستور عمل کردیم؟ چقدر عمل کردیم؟ اگر کامل عمل می‌کردیم، شاید فتنه مقدم قتل آقا محقق نمی‌شد. چقدر در حد و اندازه‌های خودمان به شعارهای سالی که حضرت آقا نام‌گذاری می‌کردند و از مسئولین و مردم می‌خواستند همراهی کنند و حتی سبک زندگی خودشان را عوض کنند، عمل کردیم؟

اینها پرسش‌های جدی است که ما با آن روبرو هستیم؛ البته نمی‌خواهیم دعوا درست کنیم حتی کسی را متهم کنیم؛ ولی باید تکلیف خودمان را با این پرسش جدی روشن کنیم که اگر کم‌وکسری گذاشتیم، توبه کنیم و در ادامه مسیر این کم‌وکاستی را تدارک کنیم و جبران. امام باقر در نامه‌ای به محمد ابن فرج می‌نویسند «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ خَلْقِهِ نَحْنًا عَنْ جَوَارِهِمْ؛ زمانی که خدای تبارک‌وتعالی بر خلقش خشم کند، ما را از مجاورت آنها دور کند.» این روایت درباره امام معصوم است؛ ولی می‌تواند درباره ولی خدا و نایب امام هم این روایت را مقابل خودمان بگذاریم و بپرسیم نکند غضب خدا شامل حال ما شده است و خدا حضرت آقای شهید ما را به همین دلیل برده است؟! امیرالمؤمنین وقتی ویژگی‌های متقین را برمی‌شمارند می‌فرمایند: «يَعْمَلُ الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ





وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ» (نهج البلاغه، خطبه همام) اهالی تقوا کار خوب هم انجام می‌دهند، یک ترس در دلشان هست، نکند من اخلاص نداشتم، نکند... در تکالیف اجتماعی هم همین‌طوری هست. اگر ما بهترین عملکرد را در ولایت‌مداری داشتیم، باید این سؤال را از خودمان می‌کردیم نکند من کم‌وکسری در ولایت‌مداری داشتم و حال آنکه الان می‌دانیم یک جاهایی رفقا کم گذاشتیم، کم تلاش کردیم، در حد و اندازه‌های آقای شهیدمان تلاش نکردیم، حضرت آقا روزی چند ساعت جهاد کردند، آیا ما در این نسبت جهاد کردیم؟ در همان جهتی که رهبر شهیدمان تعیین کردند، به‌اندازه کافی دودیدیم که بگوییم الحمدلله من از تلاش خودم راضی شدم.

آیا ما واقعاً از عملکرد خودمان در اجرای دستورات رهبری شهید راضی هستیم؟

بله حضرت آقا از شما مردم راضی بودند، شما هم راضی بودید که چنین امامی داشتید، اما آیا ما واقعاً از عملکرد خودمان در اجرای دستورات رهبری شهید راضی هستیم؟ امام شهید ما، بیانیه گام دوم را روی دوش جوانان گذاشتند، در بیانیه گام دوم ۷ عرصه جهاد را به روی ما باز کردند، چقدر در این عرصه‌ها جهاد کردیم، جهادی که حضرت آقا ابراز رضایت کرده باشند؟

آیا راهی وجود ندارد که دشمنی مثل آمریکا دیگر نتواند به ما، رهبر ما آسیبی بزند؟!

در کنار کم‌کارهای احتمالی ما که ممکن است موجب جرئت دشمن شده و ما باید برگردیم توبه کنیم و بازنگری البته هم دشمن همیشه مکر می‌کند، همیشه دشمنی می‌کند، خداوند می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا»، و این‌گونه در هر شهری بزرگان مجرم آن را قرار دادیم تا در آن مکر کنند. این آیه در قرآن کریم، سوره انعام،

مجرمین یک هرم دارند. جامعه‌ای که مجرمینی دارد و جهانی که مجرمینی دارد، بالاخره یک گنده لاتی پیدا می‌کنند که او بر بقیه مسلط خواهد بود. خب، اینجا مستکبرین مثل آمریکا و اسرائیل ساختارمند، در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرند، طبیعی است با شما دشمنی می‌کنند؛ ولی راه اینکه او را دور کنیم چیست؟ آیا راهی وجود ندارد؟ آیا راهی وجود ندارد که دشمنی مثل آمریکا دیگر نتواند به ما، حتی به رهبر ما آسیبی بزند؟! چرا راه که دارد هر چقدر در این مسیر با قدرت عمل کنیم، قطعاً دشمن را دور خواهیم کرد. راه چیست؟

بارها رهبر شهید ما فرمودند: «قوی شدن» طبق آیات قرآن که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) هر چقدر بیشتر به این آیه عمل کنیم، دشمن و شر او را دورتر کرده‌ایم. شهید ما در شرح این آیه فرمودند که همیشه قدرت فقط نظامی نیست، گاهی قدرت اقتصادی است. برای همین به مسئولین کشور می‌فرمودند کاری کنید تحریم‌ها بی‌اثر شود. شما به دنبال برطرف کردن تحریم‌ها هستید یا در نهایت دورزدن تحریم‌ها، بهتر از این دو کار این است که کاری کنید تحریم‌ها بی‌اثر شوند، مسئولان ما چه اقداماتی در این زمینه کردند؟ هرچقدر کم گذاشتیم توبه کنیم و تدارک.

پرسش دوم: «خدا با این شهادت با عظمت، چه چیزی را به ملت شریف ایران عطا کرد؟» ما ابرقدرتمند شدیم و ضعف دشمن را نشان دادیم.

اما سؤال دوم این هست که خدا با این شهادت با عظمت، چه چیزی را به ملت شریف ایران عطا کرد؟ چون محاسبه دشمن احمقانه بود، می‌گفت رهبر را بزنیم و به تعبیر ما شهید کنیم، این مملکت کارش تمام است؛



اما در محاسبات عقلانی نمی‌دانست که این ساختار نظام با شهادت رهبرش از بین نمی‌رود، بلکه تازه این شهادت عامل شکوفایی قدرت ملت و امت می‌شود، همان سخن طلایی که رهبر شهید فرمودند ملت مبعوث می‌شوند و کار را تمام می‌کنند، این پیش‌بینی نبود، این یک واقعیت ساختاری انقلاب اسلامی است که دشمنان درکی از رابطه امت و امامت ندارند.

شما امام را شهید کردی، با این امت چه می‌خواهی بکنی؟ چطوری تک‌تک این ملت مبعوث شده را می‌خواهی به قول خودت حذف کنی، محال است. ثمره خون با عظمت امام شهید ما، بیداری ملت و بعثت آن بود. امیرالمؤمنین فرمود: «لَا تَنَالُوا مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أَوْ خُرَى؛ به نعمتی نمی‌رسید، جز آن که نعمتی را از دست می‌دهید.» (نهج البلاغه)، ما نعمت با عظمت ولی و رهبری حکیم را از دست دادیم، به چه نعمتی رسیدیم؟ اینجا رهبر حی و حاضر ما امام سید مجتبی خامنه‌ای تعبیر دقیقی دارند که اینجا خیلی باید روی آن تفکر کنیم فرمودند: «امروز طلایه برآمدن جمهوری اسلامی به عنوان یک «قدرت بزرگ» و قرار گرفتن استکبار در سراسیمه‌ی ضعف، مقابل چشم همگان آشکار شده است.» (بیانات رهبر انقلاب، چهلم رهبر شهید) با شهادت حضرت آقا چه اتفاقی افتاد؟ ۲ ثمره و اثر ملموس از شهادت حضرت آقا و شهیدان این راه رخ داد. یکی اینکه جمهوری اسلامی ایران تبدیل به یک قدرت بزرگ شد و دیگری استکبار به سمت سراسیمه‌ی ضعف رفت و این دو تا حقیقت مقابل چشم مردم جهان اتفاق افتاد و مردم جهان همه این مسئله را دیدند.

اعتراف تحلیل‌گران غربی از طلوع ابرقدرت جدید و افول ابرقدرت‌های قدیم

اینجا باید چند تا تحلیل از غربی‌ها و متفکرین آمریکایی بدانیم تا بفهمیم چه ثمره و اثر مهمی این شهادت‌ها داشتند. وندی شرمن؛ معاون

پیشین وزارت خارجه آمریکا با انتشار تصاویر سقوط جنگنده‌های این کشور در آسمان ایران نوشت: «به ما وعده قدرت داده بودند؛ اما اکنون، در لحظه‌شمار بزرگ‌ترین زوال تاریخ کشورمان هستیم.»^۱ رابرت پیپ، نویسنده و متخصص استراتژی نظامی و تروریسم می‌گوید: «ایران به قطب چهارم قدرت جهان تبدیل شده است.» روزنامه راشاتودی نوشت: «ایران محدودیت‌های قدرت آمریکا را به جهانیان نشان می‌دهد»^۲

ژنرال مکنزی؛ یک فرمانده ارشد بازنشسته نیروی تفنگ‌داران دریایی آمریکا می‌گوید: «دنیا و حتی من فکر نمی‌کرد ایران در مقابل تمام توان آمریکا و اسرائیل و پس از ترور آیت‌الله بتواند بیش از ۲ روز دوام بیاورد. بیش از ۵۰ سال زحمت کشیده شد تا پایگاه‌های سنتکام در خاورمیانه تقویت شود و این‌ها همگی از بین رفته است. اگر نابودی آنها باعث فروپاشی حکومت ایران می‌شد این ارزش داشت؛ اما اکنون دنیا چیز دیگری را مشاهده می‌کند.»^۳ اخیراً خودت ترامپ کثیف گفت: «آنجا مثل ونزوئلا نیست که چند دقیقه بمانیم، بعد خارج شویم و آنها برایمان دست تکان بدهند. در ایران باید یک تا دو هفته می‌ماندیم، به تجهیزات عظیم نیاز داشتیم و آنجا یک منطقه جنگی واقعی است.»^۴ یا قبلاً گفته بود: «ایران کشوری قدرتمند و باهوش است و جنگجویانی سخت‌کوش و نیرومند دارد»^۵ البته نمی‌خواهیم به حرف‌های یک دروغ‌گوی بزدل تکیه کنیم؛ ولی وسط این حرف‌های دروغ بعضی اوقات مجبور است راستش را بگوید.

جبهه باطل کف روی آب است

حال شما این فرمایش قرآن را ببینید: «أُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ فَسَالَتْ

۱ کانال خبر فوری، دسترسی در: <https://eitaa.com/akhbarefori> (۴۴۶۰۳/۶)

۲ همان، دسترسی در: <https://eitaa.com/akhbarefori> (۴۳۴۶۰۳/۶)

۳ همان، دسترسی در: <https://eitaa.com/akhbarefori> (۴۲۵۷۶۵/۶)

۴ سایت مشرق، ایران ونزوئلا نیست، دسترسی در: mshrg.h.ir (۱۸۱۶۰۸۲/۶)

۵ کانال خبر فوری در ایپا، دسترسی در: <https://eitaa.com/akhbarefori> (۴۵۴۷۳۰/۶)





أَوْدِيَةً يَقْدِرُهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ
حُلِيٍّ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ
جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ^۱
از اینجا بعدش را کار دارم: «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ»^۲ این تشبیه
قرآن بسیار جالب است؛ حق و باطل را خداوند این گونه مثل می زند.
می فرماید: باطل کف روی آب است، اینقدر زوال پذیر است.

یا می فرماید: «وَمِثْلُ كَلِمَةٍ حَبِيئَةٍ كَشَجَرَةٍ حَبِيئَةٍ اجْتُنِثَتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ
مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ»^۳ باطل مثل غباری است که روی سنگ نشسته است؛
اگر قرار داشت، این نمی رفت. آیه ای دیگر می فرماید بخش ثابت جبهه
باطل تازه مثل عنکبوت است^۴؛ چون تار عنکبوت بسیار زیبا، شکل
و قدرتمند نشان داده می شود، ولی برای حشره ها قدرتمند است. یک
انگشت بکشی، تمام شده و رفته است. آن عنکبوت چگونه جلو می رود
و بر تار می نشیند؟ چه نگاهی، مثل سلطه ای دارد: «این قلمرو پادشاهی
من است، نیا جلو، می ترساند». خدا واقعاً چگونه این ها را به سخریه
می گیرد؟ امروز این واقعیت های قرآنی با شهادت رهبر شهید ما خودش
را بر مردم عالم نشان داده است، آنها هم اعتراف به ضعف خودشان
می کنند.

عوامل ابرقدرتمند شدن: از برک خون شهیدان تا توسلات و تضرعات و حضور مجاهدانه مردم و رزمندگان

حالا برسیم به ادامه بیانات رهبر معظم انقلاب، در ادامه امام خامنه ای
بعد از بیان این دو نعمت بزرگ می فرمایند: «این بی شک نعمتی الهی
است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدای گلگون کفن و

۱ رعد، ۱۷.

۲ همان.

۳ پیراهیم، ۲۶.

۴ عنکبوت، ۴۱.

هموطنان مظلوم و گل‌های پرپر شده مدرسه شجره طیبه میناب، و در پی توسلات و تضرعات آحاد ملت به درگاه ربوبی و حضور مجاهدانه ایشان در میادین و محلات و مساجد، و به‌خاطر جان‌فشانی‌های بی‌دریغ و بی‌منت و خالصانه رزمندگان جان‌برکف اسلام در سپاه و ارتش و فراجا و سربازان گمنام و مرزداران، به ملت ایران ارزانی شده است.» (بیانات رهبر انقلاب، چهلم رهبر شهید) یعنی چطوری ما شدیم ابرقدرت و دشمنان ما ضعفشان به چشم آمد؟ چند تا عامل داشت: یکی و شاید مهم‌تر از همه برکت خون رهبر شهید و شهدای جنگ رمضان بود، عامل دیگر توسلات و تضرعات و عامل سوم حضور در میان مردم و عامل چهارم مجاهدت رزمندگان، همه این‌ها ضربدر هم، نعمتی به ما داده است به نام ابرقدرت‌شدن و آشکارشدن ضعف و نابودی دشمنان.

درباره افول آمریکا با مردم محله و فامیل خودمان حرف بزنیم؛ عهد ناتمام

ما نعمت باعظمتی را از دست دادیم، به نام شهادت امام خامنه‌ای اما خدا چه نعمت دیگری به ما داد؟ ابرقدرتمندشدن و آشکارشدن ضعف و نابودی دشمن. نباید کافر به این دو نعمت هستند. باید شاکر باشیم. چقدر رهبر شهید ما می‌فرمودند آمریکا افول کرده است. خیلی‌ها باور نمی‌کردند، از بس آمریکا خودش را بزرگ کرده بود. حالا امام شهید با شهادتش نشان داد آمریکا رو به افول و زوال پذیر است.

ما مردم در این باره گفتگو کنیم، با همسایه خودمان، با فامیل خودمان، این عهد ناتمام ماست با امام شهید، دیدن این ابرقدرت بودن حال آدم را در اوج مشکلات اقتصادی خوب می‌کند، بعضی‌ها می‌گویند این همه کشته، این همه خسارت ثمره‌اش چه شد؟ ما در آغاز این تغییر موازنه قدرت هستیم، ابرقدرت شدیم، البته اول مسیر هستیم، هنوز کارهای زیادی پیش رو داریم، ولی شما در این مسیر افتادید و راه بازگشت نداریم.





حمله پیش‌دستانه ما به اسرائیل؛ نشانه‌های ابرقدرتمند شدن ما

نشانه‌های آن هم روشن شده است، همین حمله به اسرائیل در دفاع از مردم لبنان، یک اتفاق بزرگ تاریخی بود که مثل آب خوردن از کنارش عبور کردیم، راز زیمت تحلیل‌گر ارشد امور ایران در اسرائیل: ایران با حملات دیشب [منظور همان شب حمله ایران به اسرائیل در دفاع از لبنان] دکترین بازدارندگی‌اش را تغییر داد.^۱ اگر با همین دست‌فرمان پیش برویم، می‌دانید به کجا می‌رویم؟ به سمت ابرقدرت شدن.

مسئولین با ادبیات ابرقدرتمندان با جهان گفتگو کنند

بعد این ابرقدرت شدن اگر بیاید در محاسبات مسئولین ما ادبیات گفتاری‌شان هم چطور خواهد شد؟ امام خمینی ره می‌فرمودند: «مسائل را به گونه‌ای که یک ابرقدرت مطرح کنید» الان مسئولان ما در موضع‌گیری‌ها با ادبیات یک ابرقدرت با آمریکا و اسرائیل حرف می‌زنند یا توئیت می‌زنند؟ چه نوع ادبیاتی باید داشته باشیم؟ ادبیات ابرقدرت بودن مسئولین ما به محاسبات ذهنی آنها برمی‌گردد که چقدر خودمان را ابرقدرت حساب کردیم. چند تا مسئول سراغ داریم با این ادبیات با جهان حرف می‌زنند: ما برای نجات جهان می‌جنگیم... برخی از ادبیات مسئولین ما منفعلانه از موضع ضعف است.

چگونه امام ایران را ابرقدرت می‌دانست؟

حضرت امام رحمه‌الله‌علیه خودش این‌طوری بود، آقای حاج عیسی خادم حضرت امام رحمه‌الله‌علیه برای بنده نقل نمود و می‌گفت: در جماران، امام داشت پیاده روی می‌کرد با حاج سید احمد آقا. حاج سید احمد آقا داشت ابرقدرت‌ها را می‌شمرد. می‌دانید به کی می‌گویند ابرقدرت، آنهایی که حق وتو دارند، هر

۱ کانال به وقت ایران، دسترسی در: <https://eitaa.com/bevaqteiran> (۱۰/۸۹)

جیزی تصویب می‌شود آنها حق وتو دارند. یک روزی یک زمانی اینها قرار گذاشتند بشوند ابرقدرت و بقیه بشوند درجه‌دو و این مانده دیگر. اگر قانون است.

ابرقدرت به اینها می‌گویند. حاج سید احمد آقا نمی‌خواستند ابرقدرت را آموزش بدهند به امام، بلکه می‌خواستند بگویند این ابرقدرت‌ها در فلان موضوع این جوری هستند. فرانسه این جور، انگلیس این جور... می‌گوید امام هیچ وقت پیاده روی خودش را قطع نمی‌کرد. یک دفعه ایستاد برگشت به حاج سید احمد آقا گفت: چرا کشورهای ابرقدرت را شمردی نام ایران را نبردی؟ می‌گوید حاج سید احمد آقا خنده اش گرفت. به این معنی که اینجا که کسی نیست، خودمان هستیم... ما که قبول داریم... امام ایستاد گفت بگو ایران ابرقدرت است. می‌گوید با تعجب حاج سید احمد آقا گفت: بله ایران هم ابرقدرت است. گفت حالا شد. برویم. حاج عیسی می‌گفت اصلاً امام شوخی هم نمی‌کرد. سفت ایستاده بود که تو باید اعتراف کنی.^۱

در صدر اسلام هم خیلی‌ها قدرت اسلام را در اوج مظلومیت باور نمی‌کردند حتی مسخره می‌کردند در جنگ احزاب که اوج محاصره دشمن بود، دشمنان اسلام دست به دست هم داده بودند تا ریشه اسلام را به قول خودشان بکنند و البته کور خوانده بودند، وقتی پیغمبر دستور دادند که دور مدینه را خندق بکنند، این ابتکار جنگی حضرت سلمان بود برای محافظت از دشمنان، بعد مسلمان‌ها به یک سنگ سفتی رسیدند که هر کاری می‌کردند نمی‌توانستند آن را بشکنند، خود پیغمبر آمدند سه ضربه زدند و هر ضربه می‌فرمود فلان جای عالم فتح شد، بعد یک عده مسخره می‌کردند می‌گفتند ما امروز از ترس خودمان حتی نمی‌توانیم برویم دستشویی، چطوری عالم را فتح کردیم. خب دیگر بعضی‌ها

۱ پایگاه اطلاع‌رسانی هیئت رزمندگان اسلام، دسترسی در: « <https://eheyat.com/?p=348936> »





قدوقواره ذهنشان به درک واقعیت‌ها نمی‌رسد.

امروز رهبر شما به شما می‌فرماید که ما باید شاکر نعمتی باشیم به نام ابرقدرت‌شدن و بهتر بگوییم پا گذاشتن در چنین مسیر با عظمتی که در اثر شهادت امام شهید راه این مسیر هموارتر شد. می‌فرمایند: «این نعمت هم مانند هر نعمت دیگری باید مورد شکر قرار گیرد تا بقا و رشد داشته باشد که لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ شُكْرًا عملی این نعمت، تلاش بی‌وقفه برای رسیدن به «ایران قوی» است.» (بیانات رهبر انقلاب، چهل‌م رهبر شهید)

عهد امروز ما با امام شهید؛ ادامه مسیر ایران قوی است؛ ایران قوی را باید بسازیم

نقشه راه پیش روی ما، ایران قوی است. بیایم با رهبر شهید ما که امروز و این روزها، ایام تشیع و به خاک سپاری‌شان است، عهد ببندیم قرار بگذاریم و بگوییم آقای شهید ما! شما راه پر غرور و با عظمتی را برای ما باز کردید، راه ایران قوی برای ایران قوی چه باید بکنیم؟ چه بهتر که در ایام تشیع حضرت آقا، از خود آقا درباره ایران قوی بشنویم.

اولین ایران قوی را باید ایرانی بسازد، هیچ‌کسی از دشمنان ما ایران قوی را دوست ندارد، حتی مانع ایران قوی است؛ اما این ایران قوی را ما ایرانی‌ها باید بسازیم. امام شهید فرمودند: «بنده قبلاً مکرّر راجع به «ایران قوی» صحبت کرده‌ام؛ (۶) یعنی ما باید تلاش کنیم کشور را قوی کنیم. خب، کشوری و ملّتی که می‌بیند دشمنی‌های دشمنان و زیاده‌خواهان و مستکبران را، راهکار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوّت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است، این را همه قبول دارند؛ آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلماً ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری‌خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزّت. خب حالا این قوّت را چه کسی

به ایران می‌بخشد؟ همان‌طور که عرض کردیم، ملت؛ ملت هستند که این قوت را به کشور می‌بخشند و حضور ملت و مشارکتشان هم - اصل مشارکتشان، اندازه مشارکتشان - مسلماً در این قوت ملی تأثیر دارد.» (۰۱/۰۱/۱۴۰۰) چقدر مناعت طبع و بزرگی در این جملات هست. حتی حضرت آقای شهید می‌فرماید اگر من را هم قبول نداری، ایران قوی را که قبول داری، بسم الله...

ایران قوی؛ ایران قوی در همه جوانب است

این ایران قوی همه جانبه است. ایران قوی در امنیت بدون ایران قوی در اقتصاد، ایران قوی را شکل نمی‌دهد. از همه جهت باید ایران قوی شود. آقای شهید ما فرمودند: «آن چیزی که امنیت را برای یک کشور حفظ می‌کند، «قدرت ملی» آن کشور است، قوی بودن آن کشور است؛ قوی بودن از همه جهت: قوی بودن در علم، قوی بودن در اقتصاد، قوی بودن در امکان دفاع، قوی بودن در تسلیحات؛ اینها است که امنیت یک کشور را حفظ می‌کند و تأمین می‌کند.» بعد می‌فرمایند: «ما این را بارها عرض کرده‌ایم: باید قوی شد. ملت باید روزبه‌روز خودش را بیشتر تقویت کند. ایران قوی است که می‌تواند از خودش دفاع کند، می‌تواند امنیت خودش را، پیشرفت خودش را تأمین کند، می‌تواند به دیگران هم از تفصّلات این پیشرفت و این قوت کمک برساند. [برای] ایران قوی، قوت لازم است. البته قوت فقط ساخت تسلیحات نیست؛ قوت علمی، توانایی‌های سیاسی، توانایی‌های مدیریتی، همه اینها جزو چیزهایی است که ایمن‌ساز است، جامعه را به ایمنی می‌رساند؛ لذا این وظیفه ماست، وظیفه همه مسئولین است که با آموزش، با تسلیحات، با پیشرفت‌های گوناگون، کشور را قوی کنند.» (۰۶/۰۸/۱۴۰۳؛ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای امنیت)





ساخت ایران قوی، بدون رنج و مشقت نیست؛ چگونه در مشکلات اقتصادی تاب آوریم؟!

جدای از اینکه ایران قوی، به دست و بازوان ما ساخته می‌شود و کسی از بیرون نمی‌آید ایران قوی را بسازد، باید بدانیم که ساخت ایران قوی، بدون رنج و مشقت نیست، نیاز به چیزی داریم به تاب‌آوری جامعه که باز مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۴ خرداد به آن اشاره کردند و فرمودند باید تاب‌آوری خودمان را افزایش بدهیم، دشمن تاب‌آوری مردم را نشانه گرفته است. ترس و تردید ابزار اوست. امروز ما مشکلات اقتصادی فراوانی داریم، هیچ کسی منکر آن نیست، بخشی از مشکلات ما غیر طبیعی است، یعنی به خاطر ساختار اقتصادی غلط ماست، یا به خاطر کم‌کاری دولتی یا عدم نظارت برخی از مسئولین هست. اینها سر جای خودش اما برخی از این مشکلات اقتصادی طبیعی است در اثر جنگ است، یادمان باشد که ما وسط جنگیم و یک طرف جنگ، امروز در دنیا حتی کشورهایی که به‌صورت مستقیم هم درگیر جنگ نیستند، درگیر مشکلات اقتصادی شده‌اند و البته تاب‌آوری آنها خیلی کمتر از ماست. مسئولین باید تمام تلاش خودشان را بکنند برای حل مشکلات اقتصادی و هم مطالبه جدی در این زمینه داریم و می‌خواهیم که مشکلات اقتصادی مردم را با تلاش بیشتر حل کنند یا کم کنند؛ اما همه مشکلات اقتصادی به مسئولین ختم نمی‌شود. بخشی از آن به ما برمی‌گردد.

ما در شرایط جنگی برای قوی‌شدن می‌جنگیم، حالا باید در چنین شرایطی چطوری زندگی کنیم؟ به عبارت دیگر برای قوی‌شدن ما مردم چه باید کنیم؟ اولین گام تغییر در سبک زندگی ماست، چگونه زندگی کنیم که ایران قوی را بسازیم؟ مثلاً یک سرباز وقتی می‌رود جنگ، می‌گویند با یک آذوقه کم، با یک لباس سبک، برو زندگی کن. دیگر تخت نمی‌گذارد وسط بیابان بخوابد. اگر هم تخت ندارد گلایه هم زیاد ندارد می‌گوید ما در حال

جنگ هستیم نیامدیم خانه خاله. حالا اگر ذهنیت ما از اقتصاد در شرایط جنگی چنین ذهنیت یک سرباز وسط جنگ باشد، دیگر طور دیگری زندگی می‌کنیم. سختی‌های مسیر قوی شدن را راحت‌تر تحمل می‌کنیم، چون می‌گوییم ما اگر این هزینه را می‌دهیم، نتیجه‌اش این است که قوی می‌شویم. پس ما باید سبک زندگی خودمان را عوض کنیم.

معتب گوید: در شرایطی که در مدینه گرانی پدید آمده بود، امام صادق علیه السلام به من فرمود: چقدر آرد داریم؟ عرض کردم: به اندازه چندین ماه آرد داریم. فرمود: آنها را ببر و بفروش. عرض کردم، در مدینه، آرد نایاب است. فرمود: بفروش. وقتی فروختم فرمود: به‌طور روزانه، همانند دیگر مردم خریداری کن. آن حضرت افزود: يَا مُعْتَبِرُ اجْعَلْ قُوْتَ عِيَالِي نَصْفًا شَعِيرًا وَ نَصْفًا حِنْطَةً فَإِنَّ اللَّهَ يَغْلُمُ آتِي وَاجِدًا أَنْ أُطْعِمَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلَى وَجْهِهَا وَ لِكُنِّي أُحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَسْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ. ای معتب! خوراک خانواده مرا نصف گندم و نصف جو قرار بده؛ خدا آگاه است که من می‌توانم نان گندم تنها به آنان بدهم، ولی دوست دارم که خداوند مرا ببیند که برنامه‌ریزی زندگانی‌ام نیکو است.» (کافی، ج ۵، ص ۱۶۶) آیا ما حاضریم در شرایط جنگی این‌طوری زندگی کنیم؛ اینها مسیر رسیدن به ایران قوی است. آن وقت کدام کشور است که می‌تواند ما را شکست بدهد؟!

عهد با امام شهید برای ساخت ایران قوی

آقای شهید ما! امروز با تو عهد می‌بندیم مثل شما تا پای جان برای ایران قوی نه بجنگیم، سبک زندگی خودمان را متناسب با ایران قوی تغییر دهیم.

آقای شهید ما! توبه می‌کنیم از زندگی که در مسیر ایران قوی نبوده است. داغ شما، هنوز داغ است و توبه می‌کنیم که چرا قوی نبودیم که دشمن جرئت پیدا کرد به خانه امام ما هجوم بیاورد و شما را شهید کند.

خدایا! ما را در مسیر ایران قوی که همان مسیر ظهور هست و رسیدن





به آن جامعه قوی است که مؤمنین که مستضعفاند، یعنی از دایره مدیریت جامعه کنار گذاشته شده‌اند، قدرت و ثروت را به ارث می‌برند؛ خدایا ما در این مسیر ثابت قدم قرار بده.

روضه

چقدر چشم‌انتظار تشیع جنازه شما بودیم آقا! چند ماهی است دل‌نگران هستیم و منتظر که بدن مطهر شما به خاک سپرده شود، ولی بمیرم برای دل امام سجاد علیه السلام که آن‌قدر چشم‌انتظار بود برای تشیع پدر که داشت جان می‌داد، زینب کبری علیها السلام دوان دوان آمد سمت امام سجاد علیه السلام فرمود اما ما چرا با جان خودت بازی می‌کنی، حضرت فرمود عمه جان اینها کشتگان خود را کفن کردند و به خاک سپردن اما بدن پدر من بدون غسل و کفن اینجا زینب کبری علیها السلام چشم‌اندازی از آینده دادند و فرمودند: نگران نباش؛ اون حدیث معروف رو خونند: «وَيَنْصُبُونَ لِهَذَا الطَّيِّفِ عَلَمًا» (این‌جور نمی‌مونه... این‌جور نمی‌مونه... آروم کرد زین العابدین رو... امروز که گذشت زینب به فریاد زین العابدین رسید؛ ولی فردا زین العابدین جان زینب رو نجات داد. می‌دونید کجا؟ شیخ مفید در ارشاد می‌نویسد: وقتی مشغول خطبه خواندن بود و با سر بریده حرف می‌زد؛ امام سجاد علیه السلام فرمود: زود من رو ببرید کنار محمل عمه جانم زینب! یه حرفی باید بزنم؛ آمدند سر درون محمل کردند صدا زدند «عمتی اُسکتی!» عمه جان آرام بگیر! «ففي الباقي من الماضي اعتبار»

عمه جان حسین دیگه بر نمی‌گرده؛ حسین دیگه بر نمی‌گرده؛ ما باید بریم کوفه، بریم شام...

ولی یه جمله پایانی هم داره؛ دیدید وقتی یه مصیبتی تو یه خونه‌ای اتفاق می‌فته همه گریه می‌کنند؛ ضجه می‌زنند؛ یه بزرگی پیدا می‌شه همه را آرام می‌کنه وقتی همه آروم شدند خودش می‌شینه یه گوشه‌ای گریه می‌کنه؛ می‌گن تو خودت چرا گریه می‌کنی؟ می‌گه من یاد یه خاطره از بابام

افتادم؛ می‌دونید مردم کوفه بابام رو چطور کشتند؟! "بالسیف و السنان
والحديد والحجار والخشب والعصا" هر کی هر چی داشت.



